



خیلی‌ها تابستان به‌جای رکورد زنی در خوابیدن، تجربه‌های جدیدی کسب می‌کنند

پای کار تابستان

جذابیت زندگی هر آدمی، به تجربه‌هایی است که در دوره‌های مختلف عمرش داشته و هرچقدر این تجربه‌ها، جدیدتر و عجیب‌تر باشند، داستان زندگی آدم‌ها نیز زیباتر خواهد بود. حتماً تا به حال به خاطرات نوجوانی والدین یا پدربزرگ و مادربرگتان گوش داده‌اید. شنیدن داستان‌های فوق‌العاده‌ای که به خاطر درک کردن شرایط خاص، مانند جنگ و یا اتفاقات مهم تاریخی برایشان پیش‌آمده است و همیشه تازگی دارد و شاید هیچ‌وقت از صحبت در مورد آن‌ها خسته نشویم.

۱

نوجوانی پرخطر

تا الان، فکر کرده‌اید که قرار است چه خاطراتی را از دوران نوجوانی، برای نوه‌هایتان تعریف کنید؟ در روزهای نوجوانی شما چه اتفاقات عجیبی رخ داده که بتوانید آن‌ها را با آب‌وتاب برای نسل‌های بعدی بگویید و نقش خودتان را در آن نشان دهید. اگر می‌خواهید پنجاه سال دیگر، یک پدربزرگ یا مادربرگ خوش‌بین با کلی داستان‌های مرموز و جذاب باشید، همین امروز باید دست‌به‌کار شوید. نوجوانی پرخطرترین دوران زندگی کسانی است که از عمرشان درست استفاده می‌کنند.

قطعاً در آینده همه پدربزرگ‌ها از درس خواندن در مدرسه داستانی دارند و یا همه مادربزرگ‌ها، خاطره‌ای از بازی‌های رایانه‌ای دوران کودکی‌شان خواهند گفت اما فقط زمانی می‌توانید ماجرای جذابی برای نوه‌هایتان تعریف کنید که کاری غیر از فعالیت‌های عادی یک نوجوان انجام داده باشید.

۲

تجربه‌ای ناب

تجربه‌ای ناب که شما را از هم‌سن‌هایتان جدا کند و ارزش خاصی به زندگی‌تان ببخشد. شاید کار کردن، یکی از بهترین راه‌هایی است که به راحتی تفاوت شما را از دیگران نشان خواهد داد. در فصلی که بعضی از دوستانتان در حال رکورد زنی در خوابیدن هستند، شما می‌توانید تجربه‌های جدید کسب کنید که هرکدام تا پایان عمر همراه شما خواهند بود و شاید یکی از هزاران شیرینی آن، ساخته‌شدن خاطراتی است که می‌توانید برای نوه‌هایتان تعریف کنید.

غیراز آن، یادگرفتن یک هنر و یا حرفه، می‌تواند به راحتی زندگی شما را تحت تأثیر خود قرار دهد و توجه به علاقه‌مندی‌هایتان در رشته‌های مختلف، مسیر زندگی‌تان را دچار تغییر کند.

این بار تصمیم گرفتیم تجربه نوجوانانی که در سال‌های گذشته کار کرده‌اند و خاطرات زیادی برای خود ساخته‌اند را با شما به اشتراک بگذاریم.

۳

لذت شیرین ساختن

درست یک سال پیش، محمدرضا تصمیم گرفت در تابستان پیش رویش، تجربه جدیدی کسب کند و به جای نشستن در خانه و منتظر شروع دوباره مدرسه ماندن، به دنبال یادگرفتن یک حرفه خاص باشد. حالا او تقریباً یک طلاساز تازه کار است و در مورد چرایی کار کردنش این طور برایمان می گوید:

«در دوران کودکی فکر می کردم نوجوان هایی که کار می کنند، چون در درس و مدرسه موفق نیستند، به فکر کار کردن افتاده اند و می خواهند در آینده درس را رها کنند. اما وقتی در تابستان سه ماه شاغل بودن را تجربه کردم، فهمیدم که معمولاً هیچ کدام از این ها مطرح نیست. خود من، با اینکه از نظر درسی قوی هستم، امسال هم کار می کنم و هم در کنارش مطالعاتم را هم ادامه می دهم. سال گذشته کمی طلاسازی یاد گرفتم و امسال قرار است به یک طلاساز نسبتاً حرفه ای تبدیل شوم. اما فکر نمی کنم شغل آینده ام طلاسازی باشد، من به دانش ژنتیک علاقه دارم و همین تابستان هم می خواهم کنار کار کردن و یادگرفتن این هنر، در مورد ژنتیک بیشتر تحقیق و برای آن برنامه ریزی کنم. اما آینده شغلی و معدل بالاییم در درس ها، نمی تواند باعث شود دست از لذت شیرین ساختن و هنرمند بودن، بردارم.»

۴

حال خوب دست های سیاه روغنی

سهیل، ۱۵ سال دارد و برای سومین سال متوالی، قرار است کار کند. سهیل برای کار کردن دلایل مهمی آورده که شاید خواندنش برای شما هم جالب باشد:

«به نظر من آدم باید در زندگی مثل آچارفرانسه باشد، حداقل چند کار و حرفه را بلد باشد و در مسائل روزمره به درد بخورد، تا چند سال پیش، از اینکه نمی توانستم درست و حسابی با پیچ و مهره و پیچ گوشتی کار کنم و یا خوب عکس بگیرم، ناراحت بودم. اما وقتی از پدرم پرسیدم که چطور می تواند خیلی از کارها را به راحتی و خیلی خوب انجام دهد، متوجه شدم باید خودم به دنبال یادگرفتن آن ها باشم. به همین دلیل در چند سال گذشته، هر تابستان به عنوان شاگرد، در یک حرفه مشغول شدم. سال اول را در یک عکاسی کار کردم. اوایل تقریباً هیچ چیزی نمی دانستم و کار با دوربین و قاب بندی و ... را نمی فهمیدم چه برسد به چاپ عکس و مراحل آن. اما بعد از چند ماه، حداقل های عکاسی را یاد گرفتم و آخر تابستان هم با کمک پس انداز و پولی که از سه ماه کارآموزی و شاگردی کردنم به دست آمد، توانستم یک دوربین بخرم.

سال گذشته هم در یک آپاراتی کار کردم. با اینکه بیشتر روز را با دست های روغنی و لباس سیاه می گذراندم، اما جذابیت کار و یادگرفتن مهارت، آن قدر زیاد است که حتی خستگی ها هم برایم شیرین بود. حالا هم در کار با پیچ گوشتی و مسائل فنی، یک همه فن حریف شده ام.»

۵

اردوهای جهادی؛ یک تیر و چند نشان

شهاب، اولین تجربه جدی فعالیت های تابستانی خود را، در اردوی جهادی گذرانده و چند روزی را با گروهی از نوجوانان در یکی از روستاهای محروم، مشغول ساخت خانه بوده است. از شهاب در مورد علت انتخاب این کار و حضور در اردوی جهادی پرسیدیم. او هم مهم ترین دلایلش را این طور برایمان می گوید:

«همیشه دوست داشتم برای محرومان کار و به خانواده‌های ضعیف کمک کنم. اما نه پول کافی داشتم و نه توان زیادی برای تغییر زندگی افرادی که به کمک نیاز دارند. احساس کردم اردوهای جهادی راهی است که می‌توانم از طریق آن به اهدافم برسم. ابتدا خیلی می‌ترسیدم که کاری بلد نباشم یا به خاطر نوجوان بودنم توان بدنی کافی برای این کار نداشته باشم. اما در مدت اردو، خیلی از کارهای ساختمانی را به چشم دیدم و با کمک افراد ماهر در این رشته‌ها در لوله‌کشی و بنایی توانستم مفید باشم. حالا کارهایی را بلدم که بعید است جای دیگری بتوانم به این راحتی و در این مدت کوتاه یاد بگیرم. از طرف دیگر، دیدن محرومیت‌ها و نیازهای مردم منطقه باعث شد در ایام خدمت به محرومان خستگی را احساس نکنم و در آن چند روز با توان بیشتری کار کنم. امسال هم دوست دارم دوباره به اردوی جهادی بروم. این بار خیلی از دوستانم را همراه کرده‌ام و قرار است این روند را برای خدمت به مردم، هر سال ادامه بدهیم.»

۶

کلی خاطره فراموش‌نشدنی

متین هم امسال به کلاس هشتم می‌رود و ۱۳ سال دارد اما دو سال است که در اردوی جهادی شرکت و به مردم محروم کمک می‌کند. حتی عید امسال را هم به اردوی جهادی رفته و در روستاهای محروم اطراف ماهشهر کار کرده است. او ماجرای کار و خدمتش را این‌گونه برایمان گفت:

«اولین بار به همراه مادرم به اردوی جهادی رفتم و فهمیدم بعضی خانواده‌ها چه قدر نیازمندند و وقتی برایشان کار می‌کنیم چه قدر خوشحال می‌شوند و برایمان دعا می‌کنند. به خاطر همین تصمیم گرفتم این کار را ادامه بدهم. گاهی ساخت‌وساز می‌کنیم و گاهی هم مواد غذایی می‌بریم و بین خانواده‌های نیازمند توزیع می‌کنیم. البته من کار ساختمانی را بلد نبودم اما به‌مرور از بزرگ‌ترها یاد گرفتم و الآن در درست کردن گچ و سیمان و نقاشی ساختمان می‌توانم کمک کنم و به‌دردخور باشم ضمن اینکه در اردوهای جهادی، کلی خاطره فراموش‌نشدنی ساخته می‌شود.»

۷

دخترانه‌هایی از فعالیت‌های جهادی

شاید با خودتان فکر کرده باشید فعالیت‌های خدمت محور و کارهای جهادی مخصوص آقایان است اما هدیه سادات، نوجوان ۱۷ساله‌ای است که حدود دو سال است در فعالیت‌های جهادی، حضور جدی دارد و در مورد نحوه ورودش به این کار و نوع فعالیت‌هایش این‌طور توضیح می‌دهد:

«من با گروهی همراه هستم که فعالیت‌های جهادی و خدمت محورش تقریباً هرروز انجام می‌شود و به مردم محروم حاشیه شهر و فقرا خدمات می‌دهد. مسئول گروه، بدون حمایت خاصی کار جهادی را شروع کرده است و با نشر آن‌ها در شبکه‌های مجازی، گروه خود را گسترش داده است و ما هم به همین واسطه با آن‌ها آشنا شدیم. حالا مدت زیادی است که نیازهای مردم منطقه را شناسایی می‌کنیم و اگر نیازی به غذا یا لباس داشته باشند برایشان تهیه می‌کنیم و یا گاهی در تهیه جهیزیه کمک می‌کنیم. گزارش فعالیت‌هایمان را هم در شبکه‌های مجازی منتشر می‌کنیم که از این طریق کمک‌های مردمی دیگری نیز جذب می‌شود. خود من هم در این مدت کارهای مختلفی انجام داده‌ام و آموزش‌های زیادی دیده‌ام. حالا مهارت‌های اولیه

پزشکی مثل گرفتن فشارخون و... را به خوبی بلدم و به واسطه این کار توانستم راحت تر با دیگران ارتباط برقرار کنم و داشتن این مهارت ارتباطی برایم بسیار مفید بوده است.»

۸

کناره هم چیدن مهره‌های خودباوری

زهره ۱۵ سال دارد و اولین جرقه‌های کار کردنش، با حضور در یک کلاس آموزشی و کسب مهارت کار با سنگ و مهره به وجود آمد. بعد از گذراندن کامل دوره و کسب تجربه در این زمینه، شروع به ساختن محصولاتش کرده و اولین مشتری‌هایش هم دوستانش بوده‌اند. زهره در مورد نحوه استفاده از هنرش در جامعه این طور توضیح می‌دهد:

«بعضی فکر می‌کنند نوجوان‌هایی که کار می‌کنند، حتماً زندگی سختی دارند و به خاطر نیاز مالی و برای کسب درآمد، به چنین عرصه‌ای پا گذاشته‌اند اما به نظر من اصلاً این طور نیست. هرچند درآمد داشتن و مستقل بودن از گرفتن «پول توجیبی» از خانواده برای یک نوجوان خیلی شیرین است اما کار کردن، دلایل مهم‌تری برای من دارد. به نظرم، استفاده از هنر، کاری است که می‌تواند در زمینه‌های مختلف به انسان کمک کند و برایش مفید باشد. فروش دست‌سازه‌ها انسان را به خودباوری می‌رساند و برای نقش‌آفرینی‌های بیشتر در جامعه آماده می‌کند. ساختن دستبند و گردنبند با سنگ و مهره، کار آسانی بود که می‌توانستم به راحتی در اوقات فراغت و یا ساعت‌هایی که کار خاصی نداشتم، آن را در خانه انجام دهم. مشتری‌های همیشگی هم دوستان و هم‌کلاسی‌هایم بودند که هرچند وقت سفارش کار می‌دادند. اما بهترین قسمت این روند، اسفندماه سال گذشته بود که برای کمک به نیازمندان در یک بازارچه خیریه، کارهایم را به فروش گذاشتم و حس خوب کمک به دیگران را با استفاده از هنرم، درک کردم. به همه هم‌سن‌های خودم هم پیشنهاد می‌کنم از فرصت‌های شبیه به این استفاده کنند.»

۹

هم‌درس، هم هنر، هم کار

مینا نادری هم مانند زهره از هنرش استفاده می‌کند و با ساخت زیورآلات دست‌ساز در خانه، فرصت‌های فراغت‌ش را می‌گذراند. وقتی در مورد علت کار کردنش پرسیدیم، دلایلی را این طور می‌گوید:

«ابتدا تنها جذابیت کار، استقلال مالی بود و دوست داشتم درآمد کوچکی برای خودم درست کنم. اوایل همیشه به این فکر می‌کردم با پولی که به دست می‌آید چه کارهایی می‌توانم بکنم و چطور می‌شود پول را به بهترین نحو خرج کرد. اما بعد از مدتی جنبه مادی برایم کم‌رنگ شد و برای تفریح یا سرگرمی سراغ این کار می‌رفتم. البته انگیزه مالی همچنان همراهم بود و این هم از ویژگی‌های ما نوجوان‌هاست که دوست داریم مستقل باشیم. بعد از چند ماه، انگیزه‌ام تغییر کرد و دیگر به جای هدف‌هایی مثل درآمد و یا سرگرمی، دوست داشتم هنرهای جدید یاد بگیرم و طرح‌های تازه‌ای بسازم. همین باعث پیشرفت من شد و حتی بعد از تابستان هم کارم را ادامه دادم. البته با برنامه‌ریزی، به راحتی می‌شود هم به درس رسید و هم کار کرد و از هر دو لذت برد.»

۱۰

کتاب‌فروشی؛ تلفیق لذت و تفریح

کتابفروشی یکی از جذابترین کارهایی است که یک نوجوان می‌تواند با فعالیت در آن، در کنار همه مزیت‌های شاغل بودن، به دنیای هیجان‌انگیز کتاب‌ها هم پا بگذارد. محمدعلی ۱۷ سال دارد و این روزها مشغول کسب این تجربه فوق‌العاده است. وقتی از او خواستیم در مورد علت و حال و هوای کار کردنش برایمان بگویید، این‌طور توضیح داد که:

«من اصلاً دوست نداشتم به‌عنوان یک فرد تنبل شناخته شوم یا فقط به دنبال خوش‌گذرانی باشم، از طرفی هم می‌خواستم روی پای خودم بایستم و درآمد داشته باشم، به خاطر همین به سراغ کار کردن رفتم. اما به نظرم برای انتخاب شغل، علاقه خیلی مهم است. وقتی شغل کسی، جزو علایق او باشد، کمتر خسته می‌شود و حتی گاهی با کار کردن، تفریح هم می‌کند. به همین خاطر به سراغ کتابفروشی رفتم و واقعاً از کار لذت می‌برم. در کتابفروشی چون باید به مردم کتاب معرفی کنم، قدرت بیانم بالا رفته و خیلی راحت‌تر می‌توانم با دیگران ارتباط بگیرم و اعتمادبه‌نفس زیادی در این زمینه پیدا کرده‌ام. گاهی هم که سرم خلوت می‌شود، می‌توانم کتاب بخوانم. به نظرم در کار کتابفروشی می‌شود بهترین استفاده را از وقت کرد.»

۱۱

اندیشه‌های طلایی

اگر دوست دارید کاری که انجام می‌دهید با درس‌هایتان هم هماهنگ باشد، فعالیت‌های آموزش محور، جزو مشاغلی است که می‌تواند علاوه بر درآمدزایی و کمک به دیگران، به رشد درسی‌تان هم کمک کند. به‌عنوان نمونه، چند نفر از نوجوان نخبه و المپیادی با پشتکار و همتشان مؤسسه آموزشی راه انداخته‌اند. مؤسسه آن‌ها یکی از گروه‌های موفق دانش‌آموزی است که در زمینه‌های آموزشی، فعالیت‌های جدی و مفیدی داشته‌اند. سید علی ۱۶ سال دارد و به‌عنوان مؤسس گروه شناخته می‌شود، سید سجاد و پویا نیز نوجوانانی هستند که مدیر و معاون آموزشی گروه هستند. سید علی، فعالیت‌های آموزشی مؤسسه‌شان را این‌گونه توضیح می‌دهد:

«ما از گام‌های کوچک شروع کردیم. ابتدا تصمیم گرفتیم هر کدام در هر درس و مبحثی که مهارت داریم به دیگران در سطح مدرسه آموزش دهیم. تا قبل از پایان مدرسه‌ها و شروع تابستان تقریباً هفته‌ای سه کلاس، برای دوستان خود در مدرسه برگزار می‌کردیم. کلیپ‌های آموزشی زیادی هم در شبکه‌های مجازی منتشر کردیم که با استقبال زیادی همراه شد و از اینکه توانسته‌ایم به دانش‌آموزان بیشتری کمک کنیم، بسیار خوشحالیم. فعالیت‌های ما تا الآن درآمدی نداشته است اما دوست داریم بعد از کسب تجربه کافی در آینده حتماً وارد چنین فضایی شویم البته بیشتر به این دلیل که بتوانیم امکانات علمی را در اختیار تعداد بیشتری از دانش‌آموزانی که به معلم یا کتاب‌های کمک‌درسی دسترسی ندارند، قرار بدهیم. در کنار آن هم دوست داریم که فعالیت‌های خدمت محور بیشتری داشته باشیم و از همین تابستان نیز قرار است به اردوهای جهادی علمی برویم و برای دانش‌آموزان مناطق محروم تدریس کنیم.»

۱۲

یک تصمیم سرنوشت‌ساز

دیدیم که هرکدام از نوجوان‌هایی که کار کردن را قبل از این تجربه کرده‌اند، دلایل خاص خودشان را داشتند و حتی تجربه‌های متفاوتی در زمینه‌های مختلف کسب کرده‌اند. خاطرات عجیبی که در طول کار کردن به وجود می‌آیند رنگ تازه‌ای به روزهای نوجوانی می‌دهد. اما هر کس، باید بر اساس توانمندی‌ها و علایقش به دنبال کاری باشد که به بهترین صورت می‌تواند آن را

انجام دهد. به نظر شما، چه دلایلی دیگری برای کار کردن در تابستان وجود دارد؟ دوست دارید این تابستان به چه کاری مشغول شوید؟